

دورگه‌های فوتبالی



این پرسش را عادل فردوسی‌پور برای نظرسنجی یکی از برنامه‌های نود سال 90 انتخاب کرده بود که بیش از ۸۰ درصد بینندگان با ارسال گزینه اول یعنی «بله»، موافقت خود را با حضور بازیکنان دورگه در تیم ملی پیامک کردند.

جام جم آنلاین: این پرسش را عادل فردوسی‌پور برای نظرسنجی یکی از برنامه‌های نود سال 90 انتخاب کرده بود که بیش از ۸۰ درصد بینندگان با ارسال گزینه اول یعنی «بله» موافقت خود را با حضور بازیکنان دورگه در تیم ملی پیامک کردند. بحث حضور دورگه‌ها در تیم ملی زمانی بیشتر قوت گرفت که کارلوس کرش، سرمربی پرتغالی تیم ملی فوتبال، دایره انتخاب بازیکنانش را به اندازه تمام فوتبالیست‌هایی که به واسطه داشتن پدر ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را داشته باشند، گسترش داد.

«کرش» حتی برای زیر نظر گرفتن بازیکنان ایرانی مقیم خارج از کشور به اروپا هم سفر کرد.

این در حالی است که تجربه استفاده از بازیکنان دورگه در تیم ملی، برای فوتبالیست‌های ایرانی تجربه‌ای متفاوت است.

هواداران همان‌طور که از بازی تک‌ضرب و اروپایی فریدون زندی در روزهای اول حضورش در تیم ملی لذت بردند، نسبت به بازی معمولی و سطح متوسط امیر شاپورزاده که او هم از بوندس‌لیگا آمده بود، هیچ احساسی نداشتند.

حال در چنین شرایطی باید منتظر بود تا پای دورگه‌های دیگری هم به تیم ملی باز شود.

شروین رجبعلی فردی، آریا جسوروهاسه گاوا شمس، امین نظری و نیکلا هاتفی مفرد اسم‌هایی هستند که الان برای خیلی‌ها ناشناخته‌اند، اما هیچ بعید نیست در آینده‌ای نزدیک نظر کارلوس کرش را برای بازی در تیم ملی ایران به خود جلب کنند.

سوی اینها چند بازیکن دیگر هم هستند که چون پدر و مادری ایرانی دارند دورگه محسوب نمی‌شوند، اما به دلیل داشتن تابعیت دیگر کشورها، تا به امروز فرصت بازی برای تیم ملی ایران را به دست نیاورده‌اند.

معروف‌ترین آنها اشکان دژاگه است که از سوی کارلوس کرش به تیم ملی دعوت شد.

رضا قوچان‌نژاد تبعه بلژیک، آرام خلیلی تبعه نروژ، عقیل اعتمادی تبعه هلند، کیوان زرینه تبعه ایتالیا و چند بازیکن دیگر از جمله این بازیکنان هستند که الان در فوتبال اروپا مشغول بازی هستند.

آنچه در پی می‌آید، اطلاعاتی است از چهار بازیکن دورگه فوتبال ایران که این روزها بازی در تیم ملی ایران یکی از رویاهای آنهاست:

شروین رجبعلی فردی

متولد 27 اردیبهشت 1370 (7 می 1991) در برلین آلمان.

شروین پدری ایرانی و مادری آلمانی دارد، اما هیچ‌گاه به ایران نیامده و حتی در فارسی صحبت کردن هم مشکل دارد. فقط پنج سال داشت که در تیم نونهالان هرتا سلندورف آلمان بازی کرد؛ البته فوتبال برای او زمانی رنگ و بوی جدی‌تر به خود گرفت که در 13 سالگی پیراهن تیم نوجوانان هرتابرلین را پوشید.

45 بازی با پیراهن تیم آماتوری هرتابرلین و حضور در تیم اصلی هرتا در رقابت‌های 2009 - 2008 جام یوفا این بازیکن ایرانی را به یکی از پدیده‌های فوتبال آلمان تبدیل کرد. آن روزها روزنامه‌های محلی آلمان به عنوان یکی از جوان‌ترین بازیکنان تاریخ هرتابرلین یاد کردند.

این مدافع چپ پا خیلی زود بازی در تیم‌های زیر 17 سال، زیر 19 سال و زیر 20 سال آلمان را هم تجربه کرد. 16 بازی برای تیم‌های ملی رده‌های سنی آلمان طی سال‌های 2007 تا 2010. شروین در سال 2010 جایزه بهترین بازیکن جوان آلمان را هم دریافت کرد؛ جایزه‌ای که قبل از آن چهره‌های سرشناسی چون ژرومه بوتانگ و مانوئل نویر دریافت کرده بودند.

او که الان به صورت قرضی در تیم دسته دومی آلمانیا آخن بازی می‌کند، می‌تواند در تیم ملی ایران بازی کند، هرچند که شانس حضورش در تیم ملی بزرگسالان آلمان هم وجود دارد.

آریا جسوروهاسه گاوا شمس

تنها دورگه ایرانی - آسیایی فوتبال ما همین بازیکن است؛ آریا جسوروهاسه گاوا شمس.

او پدری ایرانی و مادری ژاپنی دارد و هفتم آبان 1367 (29 اکتبر 1988) در سایتامای ژاپن به دنیا آمده است. آریا فوتبال را از تیم جوانان یوکوهاما مارینوس آغاز کرد و پس از دو فصل بازی در این تیم، در سال‌های 2004 تا 2006، به تیم بزرگسالان یوکوهاما مارینوس پیوست تا حضور در جی لیگ را هم تجربه کند. او طی 5 فصل حضور در این تیم مطرح فوتبال ژاپن 69 بار در جی لیگ به میدان رفت و چهار بار هم با پیراهن یوکوهاما گلزنی کرد.

آریا سابقه بازی در تیم‌های رده‌های پایه ژاپن را هم دارد. او که هم اکنون عضوی از تیم زیر 20 سال ژاپن است، در سال 2007 می‌توانست همراه با تیم ژاپن در جام جهانی جوانان شرکت کند، اما مصدومیت این شانس را از او گرفت. آریا که پست تخصصی‌اش، هافبک تهاجمی است بتازگی با تیم اف سی توکیو قرارداد بسته و در فصل جدید جی لیگ با پیراهن این تیم بازی خواهد کرد.

امین نظری

یکی از نفراتی که سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران بازی‌اش را زیرنظر دارد امین نظری است؛ یک فوتبالیست سوئدی از پدری ایرانی و مادری فیلیپینی. امین 6 اردیبهشت 1372 (26 آوریل 1993) در مالمو سوئد به دنیا آمده و فوتبالش را هم از تیم نونهالان همین شهر آغاز کرد. او در تمام رده‌های سنی تیم مطرح مالمو بازی کرده و الان هم با 18 سال سن، یکی از نفرات تیم بزرگسالان مالمو است.

اسم امین نظری اولین بار مرداد ماه امسال سر زبان‌ها افتاد، زمانی که در یک تورنمنت دوستانه مقابل میلان ایتالیا به میدان رفت و در یک صحنه با یک دریبلینگ زیبا فان بومل و آمبروسینی را جا گذاشت.

آن بازی 2-2 مساوی شد و میلان در ضربات پنالتی مالمو را شکست داد. نظری که 12 بار برای تیم زیر 17 سال سوئد و 6 بار هم برای تیم زیر 19 سال این کشور بازی کرده است، می‌تواند برای یکی از تیم‌های ملی سوئد، ایران یا فیلیپین بازی کند.

او که پست تخصصی‌اش هافبک میانی است، شش بار هم با پیراهن تیم‌های نوجوانان و جوانان سوئد گلزنی کرده، اما در صورت قرار گرفتن در فهرست کروش مجبور است از میان دو تیم ملی ایران و سوئد یکی را انتخاب کند.

نیکلا هاتفی‌منفرد

او پدری ایرانی و مادری بلژیکی دارد و تنها دروازه‌بان دورگه فوتبال ایران به شمار می‌رود. نیکلا هاتفی‌منفرد 19 دی 1369 (9 ژانویه 1991) در آکله بلژیک به دنیا آمد و فوتبالش را از 16 سالگی با حضور در تیم جوانان اف سی بروژ آغاز کرد.

یک فصل بازی در اف سی بروژ، یک فصل بازی در استاندارد لیژ و یک فصل بازی در شارلوا، طی سال‌های 2007 تا 2010 این دروازه‌بان دورگه ایرانی را به دروازه‌بانی آینده‌دار در فوتبال بلژیک تبدیل کرد.

نیکلا در سال 2010 و 18 سالگی، در بازی با تیم سرشناس اف سی بروژ درون دروازه شارلوا ایستاد تا حضور در لیگ حرفه‌ای بلژیک را هم تجربه کند. شش بازی با پیراهن شماره یک شارلوا باعث شد او در همان سال 2010 برای تیم زیر 19 سال بلژیک هم بازی کند.

درخشش هاتفی‌منفرد و واکنش‌های دیدنی او باعث شد عباس بیات، مدیر ایرانی باشگاه شارلوا با این دروازه‌بان جوان قراردادی پنج ساله امضا کند؛ البته نیکلای الان به صورت قرضی در عضویت تیم دسته دومی لالویره بلژیک قرار دارد و مدتی است که به دلیل مصدومیت نتوانسته برای این تیم به میدان برود.

پدر و مادر هاتفی‌منفرد علاقه دارند پسرشان برای ادامه فوتبالش تیم ملی ایران را انتخاب کند؛ البته باید دید کارلوس کروش هم گوشه چشمی به این دروازه‌بان دورگه ایرانی نشان می‌دهد یا خیر؟!

فریدون زندگی: پشیمان نیستم؛ خوشحالم

«#من دیشب به ایران آمدم، خوش آمدم» اولین جمله خاطره‌انگیز فریدون زندگی پس از حضور در تیم ملی بود؛ دورگه‌ای که خیلی زود محبوب شد و شانه به شانه سایر ستاره‌های تیم ملی آن زمان پیش رفت.

حالا با گذشت هفت سال از آن روزی که تصمیم گرفت به ایران بیاید، همه او را به عنوان معروف‌ترین دورگه فوتبال ایران می‌شناسند. تنها دورگه‌ای که در داری بزرگ استقلال و پرسپولیس گل‌زده و البته تنها دورگه‌ای که گل ملی در کارنامه‌اش دیده می‌شود. بیشترین بازی ملی هم در میان دورگه‌های فوتبال ایران جلوی نام فریدون زندگی ثبت شده است؛ 30 بازی ملی.

فریدون متولد ششم اردیبهشت 1358 (26 آوریل 1979) در شهر «#آمدن» آلمان است.

او تا قبل از آن‌که در سال 2005 از سوی برانکو ایوانکوویچ برای اولین بار به تیم ملی ایران دعوت شد، هیچ‌گاه ایران را ندیده بود، پرویز زندگی، پدر فریدون خود ورزشکار بود و مادرش «#آلا کخ» (او پس از مسلمان شدن اسم لیلیا را برای خود برگزید) هم یکی از مشوقان او برای این‌که تیم ملی ایران را برای ادامه فوتبال خود انتخاب کند.

فریدون پیش از آن‌که به ایران بیاید پنج بار برای تیم زیر 21 سال آلمان بازی کرده بود و یکی از بازیکنان اصلی تیم کایزرسلاترن در بوندس‌لیگای یک به شمار می‌رفت.

اولین حضور زندگی در بوندس‌لیگا در فصل 2001 – 2000 بود که هفت بار با پیراهن فرایبورگ به میدان رفت. او سال بعد هم سه بار برای فرایبورگ در بوندس‌لیگا بازی کرد و به تیم لوبک در بوندس‌لیگای 2 منتقل شد.

درخشش خیره‌کننده فریدون طی دو فصل حضور در این تیم دسته دومی با انجام 54 بازی و 20 گل زده، باعث شد او یک بار دیگر به بوندس‌لیگای یک برگردد.

زندگی در فصل 2005 – 2004، در 26 بازی با پیراهن کایزرسلاترن به میدان رفت و همان زمان به تیم ملی ایران دعوت شد.

اولین بازی فریدون مقابل بحرین بود و اولین گل ملی‌اش را هم در زمان سرمربیگری برانکو به تیم ملی آذربایجان زد. زندگی در جام ملت‌های آسیا یکی از نفرات اصلی امیر قلعه‌نویی بود، در مقدماتی جام‌جهانی 2010 مورد توجه علی دایی بود و آن گل سرنوشت ساز را در بازی با امارات به ثمر رساند و تا قبل از جام ملت‌ها سال 2010 نیز از سوی افشین قطبی به اردوهای تیم ملی دعوت می‌شد. هفت سال از اولین بازی ملی زندگی می‌گذرد، اما او هنوز یکی از گزینه‌های کادر فنی برای حضور در اردوهای تیم ملی است.

گفت‌وگو با زندگی را از همان روزهایی که به قول خودش برای پذیرفتن پیشنهاد بازی در تیم ملی ایران دلشوره داشت آغاز کردیم: «#تا دو سال قبل از آن‌که به ایران بیام اصلاً فکر نمی‌کردم برای ایران بازی کنم. به همین خاطر کاملاً طبیعی بود که در تیم ملی جوانان آلمان بازی کنم، اما وقتی پیشنهاد بازی در تیم ملی ایران را دریافت کردم شرایط تغییر کرد. من همیشه دوست داشتم در تیم ملی ایران باشم، ولی نمی‌دانستم که این تصمیم درست است یا خیر؛ البته پیش داوری‌هایی هم در ذهن من ایجاد شده بود، اما دوستان ایرانی و بستگانم خیلی به من کمک کردند. آنها از خاطرات حضورشان در ایران برای من حرف زدند. با پدرم هم خیلی صحبت کردم اما خانواده‌ام هرگز مرا تحت فشار نگذاشتند که این پیشنهاد را بپذیرم یا نه. در آخر هم این من بودم که کاملاً آزادانه تصمیم گرفتم برای تیم ملی ایران بازی کنم.»

او سپس از خاطره اولین بازی ملی‌اش گفت، خاطره‌ای که زیاد هم شیرین نبود: «#قبل از آن‌که به ایران بیایم بزرگترین نگرانی‌ام این بود که آیا بازیکنان تیم ملی مرا در جمع خودشان می‌پذیرند یا نه؟! البته وقتی که به اروی تیم ملی رفتم خیلی زود متوجه شدم که این نگرانی کاملاً بی‌دلیل بود. برای اولین بازی باید در مقدماتی جام‌جهانی 2006 مقابل بحرین قرار می‌گرفتم. شرایط به گونه‌ای شد که مستقیماً به منامه رفتم و اصلاً نتوانستم به ایران بیایم. 2 روز مانده به بازی به بحرین رسیدم و البته قبل از آن با مهدوی‌کیا و هاشمیان در این زمینه صحبت کردم. به بحرین که رسیدم علی دایی به اتاقم آمد و گفت اگر مشکلی داری به من بگو. به هر حال در آن مسابقه تیم اصلاً خوب بازی نکرد و من هم از آنجایی که با سایر بازیکنان هماهنگ نبودم، نتوانستم بازی خوبی انجام دهم؛ البته آن خاطره بد را در آخرین بازی دور برگشت فراموش کردیم. من پاس گل دادم، نصرتی گل زد و ایران با پیروزی بر بحرین به جام‌جهانی صعود کرد.»

زندگی سپس از مشکلی حرف زد که شاید برای همه بازیکنان دورگه وجود داشته باشد: «#زمانی که تیم ملی ایران را انتخاب

کردم، آلمانی‌ها از این تصمیم من ناراحت شدند. این را وقتی فهمیدم که دیگر مربی کایزرسلاترن آن حمایت همیشگی را از من نکرد. آنها حتی روز قبل از اولین حضور من در اردوی تیم ملی ایران، به من می‌گفتند، هنوز دیر نشده و من می‌توانم تصمیم را تغییر دهم. آنها دوست داشتند من یک آلمانی باشم تا یک ایرانی و من این موضوع را درک می‌کردم. به همین خاطر هم ناراحت نشدم چون در هر کشوری شرایط همین‌گونه است. همین جا در ایران اگر یک بازیکن ایرانی بد بازی کند، باز هم فرصت بازی پیدا می‌کند، اما برای یک خارجی فرصت‌ها کمتر است.»

البته از نگاه زندگی داشتن یک روحیه قوی می‌تواند بسیاری از مشکلاتی را که پیش روی یک بازیکن دورگه قرار می‌گیرد، آسان کند: «انتظارها از بازیکن دورگه‌ای که در لیگ‌های مطرح جهان بازی کرده، زیاد است. بازی‌اش بیشتر به چشم هوادار و خبرنگار می‌آید تا دیگر بازیکنان تیم. به همین خاطر هم بازیکن دورگه باید از نظر روحی خیلی قوی باشد تا دچار مشکل نشود. این تجربه من است و دوست دارم آن را به دژاگه و همه بازیکنانی که در کشورهای دیگر زندگی کرده‌اند و می‌خواهند روزی در تیم ملی ایران بازی کنند انتقال دهم.»

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که خود زندگی در برهه‌ای با این انتقاد روبه‌رو شد که دچار افت شده و دیگر برای فوتبال ایران کارایی لازم را ندارد: «بعد از آن که برانکو رفت، چون حضور من در تیم ملی کم‌رنگ‌تر شد، همیشه این انتقاد را می‌شنوم که مردم می‌گویند فریدون افت کرده است، اما خودم آن را قبول ندارم. من هرگاه اعتماد مربی را پشت سر خودم احساس کردم، به همان بازیکنی تبدیل شدم که مردم می‌خواهند. چه آن زمان که در تیم ملی برانکو بازی می‌کردم و چه امسال که مظلومی در برهه‌ای از زمان فرصت بیشتری در اختیارم گذاشت تا در ترکیب استقلال بازی کنم.»

از زندگی در مورد تصمیم بزرگ دیگرش پرسیدم. این‌که چرا برای ادامه فوتبالش لیگ برتر ایران را انتخاب کرد و این‌که آیا پشیمان هست یا خیر: «به عنوان یک بازیکن دورگه اعتقاد دارم کسی از این انتخاب که در تیم ملی سرزمین پدری‌اش بازی کند هیچ‌گاه پشیمان نمی‌شود، اما اگر کسی در کشور خودش بزرگ نشده باشد و بخواهد به کشورش برگردد و در لیگ آن بازی کند، باید در انتخاب تیمش خیلی دقت کند.»

اشاره زندگی به قراردادی بود که با باشگاه استیل‌آدین امضا کرد: «من اعتراف می‌کنم در انتخاب استیل‌آدین اشتباه کردم؛ البته این فقط اشتباه من نبود. همه بازیکنان مطرحی که در آن برهه به استیل‌آدین پیوستند فکر می‌کردند قرار است در یک تیم حرفه‌ای بازی کنند، اما گذشت زمان همه چیز را تغییر داد.»

یعنی هیچ‌گاه نشده که از حضور در ایران و انتخاب تیم ملی ایران پشیمان شوی؟ زندگی با اندکی مکث به این سوال جواب داد: «نه! این‌طور نبوده که پشیمان بشوم، اما شده که دلم برای فوتبال آلمان تنگ شود. مخصوصاً وقت‌هایی که بازی‌های بوندس‌لیگا را می‌بینم.» او پاسخ خود را با این جواب کامل کرد: «اگر به چند سال پیش برگردم باز هم همین تصمیم را می‌گیرم. در آن شرایط من این تصمیم را گرفتم و هنوز هم خوشحالم؛ هم برای بازی در تیم پرترفدار استقلال و هم برای بازی در تیم ملی.»